

## کوهستان البرز در طرح جامع تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۲

**چکیده** | کوه در تمدن‌ها و آیین‌های باستانی نقشی مهم داشته و همواره مورد احترام مردم بوده است اما در ایران به لحاظ جغرافیای خاص آن از اهمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت کوه در گذشته تا جایی است که تمدن‌هایی چون سومری‌ها و عیلامی‌ها، عبادتگاه‌های خود را مانند زیگورات چغازنبیل به شکل کوه می‌ساختند. کوه‌های البرز به‌عنوان مهم‌ترین و مرتفع‌ترین کوه‌های ایران در شمال شهر تهران واقع شده است. این کوه‌ها علاوه بر اینکه یک عنصر مهم طبیعی است و محدوده و حریم شهر تهران را مشخص می‌کند، یکی از عوامل اصلی هویت‌بخش شهر تهران نیز به شمار می‌رود. در حال حاضر نگاه کالبدی به این کوه‌ها سبب شده تا رابطه میان شهر و کوه رابطه مطلوبی نباشد اما کوه البرز به‌عنوان مهم‌ترین لبه شهری تهران ماهیتاً می‌تواند نقش به‌سزایی در هویت‌بخشی و ایجاد رابطه مطلوب با شهر تهران داشته باشد. با توجه به اهمیت این کوه‌ها و تأثیر گسترده آن بر شهر، هدف این مقاله ارزیابی جایگاه این کوه‌ها در برنامه‌ریزی شهر تهران بوده و بررسی‌ها از سند اصلی طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ صورت گرفته و روش پژوهش از نوع کیفی و بررسی مطالعه موردی است.

**واژگان کلیدی** | البرز، کوه، تهران، طرح جامع شهر تهران.

بابک داریوش

گروه معماری منظر پژوهشکده نظر  
و دانشگاه ژنو.

babak.dariush@gmail.com

**مقدمه** | کوه‌ها انسان را به شگفتی وامی‌دارند و درعین حال، مطمئن‌ترین پناهگاه در مقابل حیوانات وحشی بوده‌اند. انسان‌های اولیه در دل کوه‌ها برای خود خانه می‌ساختند و در غارها ساکن شده‌اند برای آن‌ها کوه نردبانی بوده که با صعود به آن می‌توانستند به بلندترین نقطه طبیعت دست یابند و بر آن مسلط شوند. کوه‌ها به دلیل افزایش سرچشمه آب و رودها، محل بردمیدن خورشید و جایگاه خدایان و محل نزول وحی و ارتباط پیامبران با خدا بوده است. از سوی دیگر ارتفاع، نماد معراج و معنویت است و در باور انسان کوه همیشه رمز استقامت، بلندی، تعالی و جایگاه قدرت و قداست بوده است. کوه‌ها برای آدمیان سرچشمه نور بوده‌اند و نقش خدا را برای انسان داشته‌اند. همچنین کوه اولین موجودی است که با پژوهش جواب انسان را داده و با او حرف زده است.

از نظر ایرانیان کوه اهمیت و جایگاه خاصی داشته و اغلب آیین‌ها و مراسم مذهبی در کوه‌ها برپا می‌شده است و ایرانیان همواره ارزش آیینی و مقدسی برای آن قائل بوده و آن را گرمی شمرده‌اند. کوه البرز به‌عنوان مهم‌ترین کوه ایران جایگاه خدایان بوده و به دلیل برافراشتگی، واسطه‌ای بین مردم و خدا بوده است.

همواره و در طول تاریخ روابط پیچیده و بسیاری میان انسان و کوه وجود داشته و کوه دارای اهمیت‌های فراوان برای مردم بوده است اما در مجموع و به‌طور کلی می‌توان اهمیت کوهستان برای انسان را به دو بخش تقسیم نمود: اهمیت طبیعی و اهمیت تاریخی و اسطوره‌ای. در این پژوهش صرفاً اهمیت تاریخی و اسطوره‌ای کوه و به‌طور اخص کوه البرز مورد بررسی قرار می‌گیرد. کوه البرز در گذشته رابطه بسیار عمیقی با ساکنین کوهپایه خود و تمامی مردم ایران داشته و همواره مایه رحمت و برکت برای آن‌ها بوده است و جایگاه والای آن نزد مردم در ادبیات، اسطوره‌ها و تاریخ ایران زمین بسیار به چشم می‌خورد؛ اما در زمان حاضر مشاهده می‌شود رابطه میان مردم و این کوه اسطوره‌ای و تاریخی بسیار نامطلوب است و شهر نتوانسته با این کوه‌ها ارتباط مطلوبی برقرار کند. نبود رابطه مطلوب میان شهر تهران و کوه‌های البرز می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد اما می‌توان بخشی از این دلایل را در طرح جامع که سند برنامه‌ریزی شهر است یافت. لذا در این پژوهش بر آنیم تا

جایگاه کوه البرز را در طرح جامع فعلی شهر تهران (که تکمیل شده و ارتقاء یافته دو طرح پیشین شهر تهران است) مورد بررسی قرار دهیم تا ببینیم این رابطه نامطلوب تا چه اندازه ریشه در برنامه‌ریزی شهر تهران دارد. لذا هدف از پژوهش ارزیابی جایگاه تاریخی و اسطوره‌ای کوه‌های البرز در طرح جامع کنونی شهر تهران است.

### کوه در اندیشه و حیات بشر

کوه غالباً نقطه تلاقی آسمان و زمین تلقی شده است، نقطه‌ای که محور عالم از آن می‌گذرد، جایی آکنده از قداست. کوه به آسمان نزدیک است و به همین سبب قداستی دوگانه دارد: از یک‌سو از نمادپردازی فضایی علو رفعت مانند «بلند»، «عمودی، قائم»، «برترین» و ... بهره‌مند است و از سوی دیگر قلمرو تجلیات قداست آثار جوی است و به این اعتبار اقامتگاه خدایان به شمار می‌رود. در اغلب اساطیر، کوه مقدسی وجود دارد که مانند «کوه المپ» منزلگاه خدایان است و برای همه خدایان آسمانی، بر بلندی‌ها مکان‌هایی برای عبادت ساخته شده است. صعود از کوه موفقیتی مداوم از اراده برخلاف نیروی جاذبه است و هم‌زمان با آن میدان دید با بلندی افزایش می‌یابد. چیزی در دستاوردهای معنوی، اخلاقی، هنری و عقلانی وجود دارد که انسان احساسی مشابه را در همه آن‌ها درک می‌کند. دست یافتن به قلّه‌های بلند کوه برای بشر ابتدایی به‌اندازه رسیدن به آسمان ناممکن نبود، اما در هر صورت دستیابی بدان بسیار سخت بود و مناطق بلندتر کوه هر چند کاملاً ناشناخته به نظر نمی‌رسید، به هر جهت عالمی به شمار می‌آمد که به‌سختی قابل رؤیت و شناخت بود و از مکان‌های آشنایی که بشر ابتدایی در آن پرسه می‌زد، کاملاً تفاوت داشت. بنابراین اغلب در اسطوره‌شناسی بسیاری از اقوام مختلف تصور می‌شد که خدایان بزرگ در بلندای کوه‌ها بر تخت نشسته‌اند.

معماری بناهای کوه مانند، از این اعتقاد ناشی می‌شده است که آدمیان قله کوه را نزدیک‌ترین مکان به آسمان می‌دانسته‌اند و سعی می‌کرده‌اند که مسکن‌های خود را بر بلندترین نقطه کوه کیهانی بسازند تا رسیدن به آسمان شدنی باشد. در واقع زیگورات‌ها، اهرام، مقابر و بناهای برجی شکل، گنبد‌ها و معابد چندین طبقه بلند، در همه‌جا نمادی

هرودت نیز درباره نیایش کردن پارسیان در دوره هخامنشیان می‌نویسد: نیایش نه در عبادتگاه‌های بزرگ بلکه در فضای باز و بر روی کوه‌ها انجام می‌گرفت. پارسیان بر بلندترین سستیغ کوه‌ها بالا می‌روند و در راه اهورامزدا دهش می‌کنند. آنان تمام گنبد آسمان را اهورامزدا می‌دانند. آنان هم‌چنین در کوه برای خورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد نیز دهش می‌کنند (قرشی، ۱۳۸۹).

کوه از نگاه دین اسلام نیز دارای اهمیت بوده و در قرآن هم اشارات زیادی به کوه شده است که از جمله آن‌ها:

- «وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا بِعَنْوَانٍ لَنْ يَرَى الْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا»<sup>۱</sup>

- «وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»<sup>۲</sup> «و در زمین، کوه‌های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد و نهرها و راه‌هایی ایجاد کرد تا هدایت شوید»<sup>۳</sup>.

- «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا \* وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا»<sup>۴</sup> آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم و کوه‌ها را میخ‌های زمین؟

- «وَجَعَلْ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا»<sup>۵</sup> «و از کوه‌ها پناهگاه‌هایی برای شما قرار داد»<sup>۵</sup>.

### کوه البرز در اندیشه ایرانیان

ایران کشور پر آبی نیست و به دلیل وجود آب در دامنه کوه‌ها این قسمت‌ها برای سکونت بسیار مناسب بوده است. منابع آب از جمله رود، چشمه و قنات در کوه‌ها قرار داشته‌اند. همچنین کوه به‌عنوان پناه و دفاعی برای احداث شهرها و روستاها بوده، بنابراین مشاهده می‌شود بیشتر شهرها و روستاهای ایران در دامنه کوه‌ها به وجود آمده‌اند. کوه در تمدن‌ها و آیین‌های باستانی نقشی مهم داشته و همواره مورد احترام بوده است اما در ایران به لحاظ جغرافیای خاص آن از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در اندیشه ایرانیان زمین کاملاً هموار و دست‌نخورده بوده و هیچ حرکتی در میان زمین و ماه و ستارگان وجود نداشته است اما به دنبال تازش نخست اهریمن، زمین ناگهان دگرگون شده و در آن پویایی پدید آمده و کوه‌ها ایجاد شدند و رودخانه‌ها به جریان افتادند و ماه و ستارگان به چرخش در آمد (هینلز ۱۳۸۶: ۲۲). کوه‌ها نزد ایرانیان باستان فواید بسیاری داشته‌اند. در مینوی خرد، دانا سبب ساخته شدن کوه‌ها را می‌پرسد و پاسخ می‌شود که «این کوه‌ها در جهان

از کوه و آسمان بودند. شعرای چینی درباره کوه‌ها چنین تصور می‌کردند که قله‌های کوه‌ها یکی بر روی دیگری قرار می‌گیرند و تا ابرها و حتی بالاتر از آن تا اوج آسمان‌ها امتداد دارند. از دیدگاه بسیاری نیز نخستین کوه‌ها پس از طوفان و شاید پس از آشفته‌گی اولیه سر برافراشته‌اند. برخی از کوه‌ها به‌عنوان کوه‌های کیهانی، در مرکز یک جهان بینی قرار می‌گیرند، برخی دیگر نیز مکان‌های وحی و شهود یا منزلگاه و تجلیگاه الوهیت به شمار می‌روند (Mei, 1987).

الیاده در کتاب دین‌پژوهی بر این باور است که قله کوه کیهانی، نه تنها بلندترین نقطه روی زمین، بلکه ناف زمین نیز به شمار می‌رود. یعنی نقطه یا ریشه‌ای است که آفرینش از آنجا آغاز شد. همچنین وی رمزپردازی مرکز جهان را مشتمل بر نمادهای سه مجموعه همبسته و مکمل می‌داند: نخست اینکه در مرکز جهان، کوهستانی مقدس واقع است و در آنجاست که آسمان و زمین به هم می‌پیوندند؛ دوم آنکه هر معبد یا هر کاخ و به‌طور گسترده هر شهر مقدس و اقامتگاه شاهانه، با کوهستان مقدس همانند شده و بدین گونه به مقام مرکز ارتقاء یافته است و آخر آن که چون معابد یا شهرهای مقدس مکان‌هایی هستند که محور جهان از آنجا می‌گذرد، پس به‌نوبه خود، نقطه اتصال آسمان و زمین و جهان زیرین تلقی می‌شوند. لذا بر این اساس کوه‌های کیهانی به‌عنوان مرکز عالم و رابط میان زمین و آسمان، اغلب مانند رکن عالم عامل ایجاد نظم و ثبات در کیهان هستند (الیاده، ۱۳۷۵).

بر اساس اعتقادات ایرانیان نیز کوه مقدس البرز در میانه زمین واقع است و به آسمان پیوسته است: «کوه البرز ستون آسمان است و آفتاب، ماه و ستارگان به مثل چرخ دولاب در گردشند» (رضی، ۱۳۴۶: ۱۴۶).

از سوی دیگر چنانچه پیشتر گفته شد کوه‌های بسیاری نیز وجود دارند که نقش عمده‌ای در کیهان‌زایی اولیه ندارند، بلکه مکان ارتباط شگرف انسان و خداوند بوده‌اند. قله آدم یا «شری پادا» در سریلانکا که بنا به باور مسلمانان جای پای حضرت آدم، به باور بودائیان جای قدم‌های بودا، به باور هندوها جای گام‌های شیوا و به عقیده مسیحیان متعلق به توماس از حواریون مسیح است، کوه احد که محمد (ص) در آن کلام وحی آسای قرآن را از خداوند شنید و نیز کوه سینا که موسی در آنجا رودررو به دیدار خداوند نائل شد، از مهم‌ترین نمونه‌های کوه‌های وحی هستند (الیاده، ۱۳۷۵).

دوزخ است که در آنجا دیوان باهم به گفت‌وگو مشغول‌اند (موسوی؛ ۱۳۸۸ : ۱۱۵).

از سوی دیگر کوه البرز محل پیوند خرد و اسطوره است لذا می‌توان گفت کوه البرز در زمره کوه‌های وحی و شهود نیز قرار دارند.

البرز در اساطیر ایرانی جایگاه خردمندان است. سیمرغ دانا آنجا آشیانه دارد. پرورشگاه زال است و بلندای آن نشانه اتصال به آسمان (جایگاه نیروهای خردمند مینوی است). زال در البرز کوه پرورده می‌شود تا خرد او آلوده به اندیشه‌های اکتسابی جامعه نشود. او برای بازگشت به اجتماع ناگزیر از «فرود آمدن» از این کوه اسطوره‌ای است (موسوی، ۱۳۸۷ : ۲۰۰).

توصیفی که نویسندگان یشت ها از کوه البرز کرده‌اند، نشان‌دهنده آن است که البرز کوهی جغرافیایی نیست بلکه کوهی مینوی و نماد بهشت است. خانه سروش در فراز البرز خودبه‌خود روشن است و ستارگان، ماه و خورشید گرداگرد آن می‌چرخند (محصل، ۱۳۹۱ : ۱۲۵).

علاوه بر کوه البرز که مهم‌ترین کوه ایران بوده بسیاری از کوه‌های دیگر نیز داری چنین افسانه‌های گاه مقدس هستند. به‌عنوان مثال به باور ایرانیان، کوه سبلان محل الهام غیبی زرتشت و کوه تخت سلیمان جایگاه حضرت سلیمان بوده است. حتی کوه‌های کم‌اهمیت‌تر که روستاها در دامنه‌ای آن‌ها شکل گرفته، همگی دارای نام و افسانه مربوط به خود هستند. این‌ها همگی نشان از جایگاه این پدیده طبیعی نزد ایرانیان بوده است.

### کوه البرز و شهر تهران

رابطه شهر تهران و کوه‌های البرز را در گذر زمان به سه مرحله تقسیم نمود: رابطه اولیه که کوه به‌عنوان پناهی برای شهر و بستری برای تأمین آب آن به حساب می‌آمده و رابطه ذهنی عمیقی میان مردم و کوه وجود داشته است. مرحله دوم توسعه شهر به سمت کوه است که در این مرحله نیز کماکان رابطه دوستانه و عمیق است و شهر تمایل دارد به سمت کوه برود. در مرحله سوم که مربوط به زمان حال است، ارزش‌های کوه برای ساکنین شهر فراموش شده و شهر و ساکنان آن اقدام به تخریب کوه کرده، به حریم آن تجاوز می‌کنند و نوع رابطه به رابطه‌ای خصمانه تغییر یافته است.

به گواهی نقاشی‌ها و تصاویر مندرج در سفرنامه‌ها، تهران

برخی انگیزنده باد و برخی بازدارنده آن، برخی جای ابر بارنده و برخی زننده اهریمن و نگاه‌دارنده و زندگی بخش آفریدگان اورمزد خدایند» (عفی، ۱۳۷۴ : ۵۹۲).

در بندهش نیز درباره کوه البرز آمده است: «نخستین کوهی که فراز رست البرز ایزدی بود. از آن پس همه کوه‌های (دیگر) به هیجده سال فراز رستند. البرز تا به سر رسیدن هشتصد سال می‌رسد: دویست سال (تا) به ستاره پایه، دویست سال تا به ماه پایه، دویست (سال) تا (به) خورشید پایه، دویست سال تا به بالای آسمان» (دادگی، ۱۳۸۰ : ۷۱).

همچنین طبق باوری کهن، زایش مهر را از آذرخش دو قطعه سنگ در کوه البرز می‌دانند (جوادی، ۱۳۸۶). بر پایه مهریشت، مهر هر روز پگاهان بر گردونه زرین خویش از کوه سپند و آیینی البرز برمی‌آید و آسمان را درمی‌نوردد و با هزاران چشم، خانمان‌های آریایی را می‌نگرد تا مبادا کسی به کژی بگراید و پیمان بشکند. بنابراین، مهر بر پیمان‌ها نظارت می‌کند و برای بهتر انجام دادن چنین وظیفه‌ای، صفت خدای همیشه بیدار را دارد و هرگز خواب به چشمدانش نمی‌آید. در روزگاران سپسین، مهر با خورشید که او نیز زرينه‌ای است آسمانپوی، در آمیخته و یکی شده است (موسوی، ۱۳۸۸ : ۱۱۵).

در آیین زرتشت (دین ایرانیان باستان) هم کوهستان مقدس بوده تا جایی که مورد پرستش قرار می‌گیرد. در اوستا کتاب زرتشتیان آمده است: «ای هوم! می‌ستایم ابرها و باران را که پیکر تو را بر چکاد کوه می‌رویاند. می‌ستایم ستیغ کوهی را که تو بر آن روییدی.» (دوستخواه، ۱۳۷۰ : ۱۴۴). در بندهشن بزرگ چنین آمده است: «این کوه‌ها آفریده شده تا مایه تغذیه آتوربان و ارتشتاران و استریوشان باشد» (پورداوود، ۱۳۴۷ : ۴۰۴).

چنانچه پیشتر اشاره شد کوه‌ها را می‌توان به دو گونه کوه‌های کیهانی و کوه‌های وحی و شهود دسته‌بندی کرد. در این دسته‌بندی کوه البرز در زمره هر دو گونه قرار می‌گیرد. از سویی البرز به دلیل قرار گرفتن در مرکز، کوهی کیهانی است. ریشه‌های این کوه کیهانی (البرز) در زیرزمین پراکنده‌اند و آن را به هم پیوسته نگاه می‌دارند و از این ریشه‌ها، همه کوه‌های دیگر سر برمی‌آورند. در وسط زمین کوه تیره - که قلّه البرز است - قرار دارد و از آنجا تا به عرض، پل چینوت کشیده شده که روان‌ها پس از مرگ، در سفر خویش به سوی بهشت یا دوزخ باید از آن بگذرند. ستیغ آرزو بر لبه کوه البرز، دروازه

کوه‌های شهر و یافتن راهی منطقی بین آن‌ها و شهر مبهم است. در صورتی که کوه از آغاز بوده است و این شهر بوده که خود را به آن نزدیک و به حریم آن تجاوز کرده است. گویی شهر، روستاهای اطراف کوهپایه‌های حاشیه را بلعیده و خود را به آن رسانده است» (حجتی، ۱۳۹۳).

### کوه البرز در برنامه‌ریزی شهر تهران

در بالا به اهمیت کوه و انواع روابط میان کوهستان و انسان پرداخته شد، در این بخش بر آنیم تا اشاراتی که طرح جامع کنونی شهر تهران به کوهساران شمال شهر دارد، به صورت موضوعی دسته‌بندی کنیم. به طور کلی در بخش‌های: ساماندهی عمران و توسعه شهری تهران، تحلیل امکانات و تنگناهای موجود، تحلیل وضعیت ساختاری، طرح‌های موضعی، ساماندهی سیما و منظر شهری، طرح ساختاری شهر تهران، حریم و محدوده شهر تهران و ایده ساختاری توسعه و سازمان فضایی شهر تهران به کوه‌های شمال تهران اشاره شده که به صورت مختصر در جدول شماره ۱ آمده است. آن‌چنان که مشاهده می‌شود، در طرح جامع اشارات بسیاری

از رشته کوه البرز شناخته می‌شده و این کوه از مهم‌ترین لبه‌های هویت‌ساز آن بوده است. لبه کمیتی کالبدی و عنصری از منظر شهری است که در تصویر ذهنی شهروندان، یک امتداد را که نشانه‌ای قابل تشخیص از نظر بصری است، تداعی می‌کند. لبه‌ها، می‌تواند نشانه‌هایی طولانی باشد که در این صورت به دلیل تفاوت با محیط اطراف به عنوان نمونه‌ای از نقاط عطف نیز محسوب می‌شود (یاراحمدی، ۱۳۸۹). لبه‌ها به دلیل مشخص کردن امتدادهای اصلی و راستاهای تعیین‌کننده استخوان‌بندی شهر در ایجاد کلیت پیوسته و احیای هویت طبیعی، تاریخی و مصنوع آن بسیار مؤثر هستند. رشته کوه البرز بدون شک یکی از مهم‌ترین لبه‌های منظرین در تهران است که به دلیل بی‌توجهی به شاخص‌های هویتی، دیگر اثری از آن‌ها در شهر پیدا نیست. پرفسور «آن اسگارد» در ارتباط تهران و البرز چنین می‌گوید: «کوه‌های شهر تهران در دو روز اول بازدید از شهر دیده نمی‌شوند و آنچه در اولین برخوردها به چشم می‌خورد شهری بزرگ با درختانی که همه جا هستند و مراکز تجاری که در همه شهر پخش شده‌اند. در حالی که

جدول ۱: اشارات به کوهستان البرز در طرح جامع کنونی شهر تهران. مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۶.

ساماندهی عمران و توسعه شهری تهران، عرصه‌های ساماندهی	ساماندهی عرصه‌های ارزشمند طبیعی	- بسترهای طبیعی شهر تهران که با توجه به مشکلات موجود و روند رو به تخریب، مستلزم ساماندهی است شامل: رود - دره‌ها و کوهسار (کوهپایه) - رود - دره‌ها و کوهساران، نظام به هم پیوسته‌های از فضاهای طبیعی شهر و پتانسیل بالایی جهت تقویت عرصه‌های عمومی است.
تحلیل امکانات و تنگناهای موجود	نقاط قوت (قابلیت‌ها)	وجود کوهستان البرز در شمال شهر وجود عنصر آب، در رود - دره‌ها و رودخانه‌ها، به‌عنوان فضاهای باز و سبز ارزشمند طبیعی، مانند کن، فرحزاد، درکه، دربند و دارآباد
	نقاط ضعف (محدودیت‌ها)	ساخت‌وسازها و افزایش تراکم‌های بیرویه، تجاوز به حریم کوهستان و تخریب محیط‌های طبیعی و مناظر بالارزش توسعه بیرویه بلندمرتبه‌سازی (به‌ویژه از لحاظ مکان‌گزینی) و تخریب تدریجی باغات
تحلیل وضعیت ساختاری	تحلیل روندها و گرایش‌های موجود	افت مداوم کیفیت محیط شهری تهران به لحاظ امکان سکونت، فعالیت و زیست سالم و پایدار تداوم تخریب و نابودی بافت‌های شهری و طبیعی ارزشمند شهر سازمان فضایی ناپایدار و معارض توسعه پایدار زیست‌محیطی به‌واسطه بهره‌وری نادرست و «نابودی منابع طبیعی و حیاتبخش» یک شهر سالم

<p>حفاظت از حریم و تدقیق کالبدی مرز قانونی شمالی شهر، به وسیله عوامل طبیعی به عنوان لبه‌ای خوانا و مشخص برای شهر</p>	<p>طرح‌های موضعی برنامه ساماندهی کوهساران</p>	
<p>ایجاد فضای واسط بین طبیعت شهری (تفرجگاه‌های شمالی شهر تهران) و طبیعت کوهپایه‌های البرز مرکزی با ایجاد کمربند سبز (Green Belt) در شمال لبه قانونی شهر، به شکل پهنه سبزی از درختان و درختچه‌ها برای حفاظت و تفرج گسترده و غیرمتمرکز</p>		
<p>تعیین و تبیین حدود کالبدی حریم شمالی شهر تهران (پهنه حفاظتی کوهساران)، با تعریف حد شمالی آن، منطبق بر خطالرأس‌های البرز مرکزی و تحدید حد جنوبی آن با کمربند سبز (پهنه کوهسار برون‌شهری)، برای حفاظت از اکوسیستم البرز مرکزی و عرصه‌های ارزشمند تفرج و ورزش‌های کوهستانی</p>		
<p>ایجاد فضای واسط بین محیط شهری تهران و مرز قانونی شمالی شهر، به عنوان عرصه تفرجگاهی متمرکز، به وسیله توسعه فعالیت‌های مناسب برای گردشگری و گذران اوقات فراغت و به ویژه در رود- دره‌ها و تحدید کاربری‌های مسکونی در پهنه درون‌شهری کوهسار</p>		
<p>تبیین تمامیت کالبدی گسترده کوهساران شمالی شهر تهران، شامل پهنه حفاظتی کوهساران، پهنه کوهسار برون‌شهری و پهنه کوهسار درون‌شهری، با تعریف نظام مدیریتی قدرتمند و یکپارچه برای محدوده مذکور و برنامه‌ریزی، اجرا، نگهداری و انتقال این «میراث طبیعی» به نسل‌های آینده.</p>		
<p>ایجاد سرزندگی در محیط شهری با حفاظت و تجهیز پهنه‌های طبیعی و فضاهای سبز و باز: ساماندهی کوهساران و کوهپایه‌های پیرامونی شهر، با ایجاد کمربند سبز، تجهیز رود- دره‌ها و هدایت و مداخله در نحوه استفاده از اراضی کوهسار</p>	<p>ارتقاء کیفیت محیط شهری تهران</p>	
<p>کوه‌ها و کوهساران، گستره کوهساران شمالی که به عنوان یکی از عرصه‌ها و عناصر از طبیعت و فضاهای سبز و باز که برای سرزندگی محیط شهری میباید سامان یابند</p>	<p>طبیعت شهری</p>	
<p>قله دماوند (لزوم حفاظت و نگهداری کریدورها و محورهای بصری منتهی به منظره دماوند)</p>	<p>پهنه‌ها و نشانه‌های هویتی شاخص شهر</p>	
<p>رشته‌کوه‌های البرز در شمال شهر</p>		
<p>کریدورهای اصلی شرقی- غربی، برخوردار از دید پرسپکتیو به منظره قله دماوند</p>		<p>ساماندهی سیما و منظر شهری</p>
<p>کریدورهای اصلی شمالی- جنوبی، برخوردار از دید مناسب و چشم‌نواز به کوهپایه‌های البرز در شمال تهران</p>	<p>پهنه‌ها و نشانه‌های هویتی شاخص شهر</p>	
<p>منظره پیوسته رشته‌کوه‌های البرز از بزرگراه‌های شرقی- غربی: همت، رسالت، آزاد- راه کرج، بزرگراه کرج، بزرگراه فتح و کمربندی آزادگان</p>	<p>ارزش‌های بصری</p>	
<p>پهنه‌های پانورامیک با دید گشوده از بلندی‌های البرز به شهر (لزوم عدم انسداد منظر با ساخت‌وسازها)</p>		
<p>ارتفاعات البرز در شمال به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی تشکیل‌دهنده سازمان فضایی موجود شهر تهران آمده است.</p>	<p>تشخیص مؤلفه‌های ساختاری شهر تهران</p>	<p>طرح ساختاری شهر تهران</p>

حوزه‌های آبخیز شمالی تهران (خط‌الرأس البرز) محدوده‌های آبخیز شمالی تهران بین دو حوزه آبخیز سد کرج و لتیان- کوهساران شمالی	حریم شهر	حریم و محدوده شهر تهران
از شمال، محدود به ارتفاعات ۱۸۰۰ متر از منتهی‌الیه شمال شرقی شهر تا مسیل کن و محدود به ارتفاعات ۱۴۰۰ متر از مسیل کن تا منتهی‌الیه غربی شهر	محدوده شهر	
استفاده از دامنه‌های البرز به‌عنوان حد شمالی سکونت و فعالیت و محور پیوسته تفرجگاهی	مبانی ایده توسعه	ایده ساختاری توسعه و سازمان فضایی شهر تهران
ممنوعیت گسترش سکونت و فعالیت در حریم شمالی و شرقی شهر و تثبیت عملکرد ارتفاعات شمالی و شرقی برای تفرج، گردشگری و حفاظت از منابع طبیعی		اصول کلی و مبانی ایده توسعه

طرح جامع هستند به کوهساران شمال تهران به‌عنوان بستر رود دره‌ها اشاره شده است. درجایی دیگر از طرح، راهکار مداخله در نحوه استفاده از اراضی کوهسار باهدف ایجاد سرزندگی در محیط شهری و افزایش کیفیت محیط شهری مطرح شده است. در بخشی دیگر نیز قله دماوند و رشته‌کوه‌های البرز به‌عنوان نشانه‌های طبیعی و نشانه‌های هویتی شاخص شهر مورد اشاره قرار گرفته است.

است. در صورتی که با توجه به مسائل مورد بررسی، کوه برای ایرانیان صرفاً یک طبیعت و چشم‌انداز کالبدی نبوده است. از سوی دیگر چنانکه در تحقیق بیان شد کوه علاوه بر اهمیت طبیعی، دارای اهمیت تاریخی و هویتی نیز است و این مسئله در خصوص کوه البرز اهمیتی چندین برابر دارد، چیزی که در طرح جامع تهران توجه کمی بدان شده است و صرفاً در عناصر هویت‌بخش طبیعی شهر تهران اشاره‌ای جزئی به کوه البرز و قله دماوند به‌عنوان یک عنصر تاریخی، اسطوره‌ای و هویت‌بخش شده است و راهبردهای محدودی ارائه شده است. در صورتی که در بخش تحلیل روندهای همین طرح اشاره می‌شود تهران شهری فاقد انسجام و تهی از هویت است و نمی‌تواند نقش ملی خود را به‌عنوان پایتخت ایفا کند و این نشان‌دهنده آن است که از ظرفیت‌های هویتی کوه به‌خوبی استفاده نشده است. کوه به‌عنوان مهم‌ترین لبه طبیعی برای شهر تهران دارای ظرفیت‌های بسیار است و به نظر می‌رسد نگاه منظرین به کوه که همان نگاه توأمان عینی و ذهنی به این عنصر مهم طبیعی است بهترین رویکرد در تعامل کوه و شهر است.

به کوهستان شمال تهران شده است و به‌طور کلی می‌توان این اشارات را در چند بخش دسته‌بندی نمود. بیشترین توجه به کوه در طرح جامع، اشاره به ظرفیت‌های تفرجگاهی و گردشگری آن است و درجایی از همین بخش به‌اختصار به ظرفیت تقویت عرصه‌های عمومی که یکی از کارکردهای فضاهای تفرجگاهی است پرداخته می‌شود. در بخش‌هایی کوه به‌عنوان حریم و محدوده شهر تهران معرفی شده است. در بخش‌های دیگری از طرح که رود دره‌های تهران مورد اشاره

**نتیجه‌گیری** | بررسی‌های جایگاه کوه در طرح جامع کنونی تهران نشان می‌دهد دو اقدام کالبدی عدم اجازه ساخت‌وساز در تراز بالاتر از ۱۴۰۰ متر در برخی مناطق و ۱۸۰۰ متر در برخی مناطق دیگر و ایجاد کمربند سبز حفاظتی در کوهستان، جهت جلوگیری از تجاوز به حریم کوهستان صورت گرفته است. به هر دو اقدام نقدهای فراوانی وجود دارد. در خصوص اعداد ۱۴۰۰ و ۱۸۰۰ متر که اولین بار در طرح جامع مصوب ۱۳۴۷ مطرح شده‌اند باید گفت مشخص نیست این اعداد با چه منطق و از کجا پدید آمده‌اند که این مسئله خود مؤید نگاه کالبدی و فیزیکی به کوه است. راهکار دیگر یعنی کاشت درخت و ایجاد کمربند حفاظتی برای مقابله با تهاجم شهر به حریم کوه نیز به دلیل عدم انطباق درختان با اقلیم منطقه و نیاز به آبیاری مستمر، منتقدان بسیار دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد با ورود تکنولوژی ویژگی‌های نمادین و اسطوره‌ای و گاه اکولوژیک کوه و تعاملات هزاران ساله مردم و کوهستان فراموش شده و در برنامه‌ریزی شهری تهران نیز کوه صرفاً یک عارضه طبیعی محسوب می‌شود و در بهترین و پیشرفته‌ترین نگاه، یک محیط‌زیست طبیعی

- الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). دین پژوهی. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حجتی، ریحانه. (۱۳۹۳). طبیعت در منظر شهری تهران؛ گزارش کارگاه پدیدارشناسی منظر، کوه و هویت. *مجله منظر* ۶(۲۸): ۶۶-۶۷.
- بی.نا. (۱۳۷۰). *اوستا* (به گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه)، جلد اول. تهران: انتشارات مروارید.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۱۲). *یسنا* (جزئی از نامه مینوی اوستا) جلد ۱. بمبئی: انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران لیگ.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). *مجله باغ نظر* ۴(۸): ۱۲-۲۲.
- دادگی، فرنیق. (۱۳۶۹). بندهشن. تهران: انتشارات توس.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). *فرهنگ اعلام اوستا*. تهران: انتشارات فروهر.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۴). *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*. تهران: انتشارات توس.
- قرشی، امان‌الله. (۱۳۸۹). *آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی*. تهران: انتشارات هرمس.
- محصل، راشد و بهنام فر، محمد و همکاران. (۱۳۹۱). تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه‌های آن در ادب فارسی. *مجله مطالعات ایرانی* ۱۱(۲۱): ۱۱۹-۱۴۶.
- موسوی، سید رسول. (۱۳۸۸). تصاویر بلاغی خورشید در شاهنامه و بازتاب اسطوره مهر در آن. *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی* ۵(۱۴): ۱۱۲-۱۲۸.
- موسوی، سید کاظم و خسروی، اشرف. (۱۳۸۷). پیوند خرد و اسطوره در داستان زال. *پژوهشنامه علوم انسانی* ۵۸(۱۰۸): ۹۵-۱۰۸.
- مهندسین مشاور بوم سازگاران. (۱۳۸۶). *طرح جامع شهر تهران، طرح راهبردی-ساختاری توسعه و عمران شهر تهران، سند اصلی*. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۶). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.
- یاراحمدی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف منظر. *مجله منظر* ۲(۱۱): ۳۰-۳۸.
- Carolin, V. (2015). Ritual, remembrance and war: social memory at tyne cot. *Journal of Annals of Tourism Research*, 54: 16-29.
- Bell, C. (2009). *Ritual, Perspectives and dimensions*. Oxford: Oxford University Press.
- <http://rahianenoor.com/>. (Accessed 20 March 2016).

